

# فصلنامه علمی- پژوهشی **رهیافت**

سال دوازدهم، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۹۷  
صفحه ۸۵ تا ۱۰۶

## بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و قدرت نرم ایران

یونس مقتدر / دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا  
unes.moghtader@yahoo.com

محمود کتابی / استاد دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا و نویسنده مسئول  
Mketabi840@yahoo.com

### چکیده

مقاله حاضر بدنبال بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. پرسش اساسی این است که: سرمایه اجتماعی چه رابطه‌ای با قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران دارد؟ و آیا نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران توانسته است از سرمایه اجتماعی برای افزایش قدرت نرم خود بهره برداری مناسب انجام دهد؟ روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات، مصاحبه می‌باشد. در این پژوهش از تحلیل همبستگی به روش کیفی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر اساتید رشته علوم سیاسی و علوم اجتماعی دانشگاه‌های کشور و نمونه آماری ۱۳ نفر (پس از اشیاع نظری) (که در زمینه سرمایه اجتماعی یا قدرت نرم صاحب قلم و اثر بوده اند) مورد مصاحبه قرار گرفته اند. یافته‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی در ایران به دلایل مختلفی دارای وضعیت مطلوبی نبوده و بر همین اساس امکان بهره‌گیری از آن در راستای قدرت نرم به خوبی فراهم نشد. در عین حال جمهوری اسلامی ایران از منابع هویتی قدرتمندی همچون مبانی اسلامی، هویت تاریخی ایرانی و نمادهای مدرن همچون بنیان‌های مردمسالاری (دموکراتیک) برای تقویت سرمایه اجتماعی و به تبع آن قدرت نرم برخوردار است که می‌تواند از آنها بهره برداری کند.

**کلیدواژه:** سرمایه اجتماعی، ارتباط، اعتماد، مشارکت، قدرت نرم

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۸/۳۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۷/۰۵

این مقاله برگرفته از تز دکتری آقای یونس مقتدر می‌باشد.

## مقدمه

توسعه و پیشرفت در یک جامعه، نتیجه عقلانیت، هماهنگی، ثبات، آرامش، برنامه ریزی و مدیریت کارگزاران بوده و به طور دسته جمعی امکانپذیر است (آقا حسینی، ۱۳۹۳: ۱۵۸). آن دسته از نظام‌های سیاسی که می‌توانند سرمایه اجتماعی را در درون ساختار اجتماعی جوامع خویش ایجاد و گسترش دهند از قابلیت‌ها و توانمندی آن نیز براحتی می‌توانند استفاده نمایند. فقدان سرمایه اجتماعی، فقدان سایر سرمایه‌ها، فقدان اعتماد و نارضایتی از سیستم و درنهایت گزاره‌های تخریب کننده و تنش آفرین را به همراه خواهد داشت و اثری منفی بر قدرت یک کشور خواهد گذاشت. در نظام‌های دموکراتیک، سرمایه اجتماعی به ثبات و نظم یا به حفظ همبستگی اجتماعی یاری می‌رساند. علقه‌های اجتماعی، اعتماد و سرمایه اجتماعی، از طریق کمیت و کیفیت، مشارکت سیاسی شهروندان، به مشروعیت نظام سیاسی کمک می‌کنند. نبود اعتماد به به دیگران، چگالی یکپارچگی ملی را کاهش می‌دهد، زیرا مانع شرکت و فعالیت افراد در نهادها و سازمان‌ها شده و کاهش کنشگری جمعی سازمان یافته، بی ثباتی و بحران اجتماعی و سیاسی را به همراه خواهد داشت (عباس زاده و کرمی، ۱۳۹۰: ۴۷). از دیگر سو مشارکت، مشروعیت، ارزش‌ها و هنجارها، دارایی‌های مهمی را تشکیل می‌دهند که می‌تواند سهم اساسی در تدارک قدرت نرم برای نظام سیاسی و افزایش قابلیت‌های آن داشته باشد. تأکید نظریه پردازان قدرت نرم (وبر، بوردیو، نای، لوکس و...) بر خاستگاه اجتماعی قدرت و این که مشروعیت، اعتبار، اعتماد و مشارکت مولد قدرت هستند و قدرت نظامی در صورتی تأثیرگذار خواهد بود که از پشتوانه و سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار باشد حکایت از آن دارد که قدرت نرم، نقشی منحصر به فرد دارد. بنابراین رابطه بین سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در ایجاد، گسترش و تعمیق قدرت بویژه نوع نرم آن یکی از موارد مهم در نظر سیاستگذاران و مدیران کلان اجتماعی می‌تواند باشد. با توجه به نقش سرمایه اجتماعی در تعمیق روابط دولت و حاکمیت، جلب و افزایش اعتماد و همکاری و مشارکت سیاسی شهروندان در این راستا و نقش آن در افزایش قدرت نرم در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی و برآیند این ارتباط و ترکیب؛ ارتقای مشروعیت، مشارکت، ثبات و پاسخگویی و تحول در کارکردهای نظام سیاسی است که رابطه سرمایه اجتماعی و مفهوم قدرت نرم را آشکارتر می‌سازد. جامعه ایران از جمله جوامعی است که دارای بنیان‌های متعدد و ظرفیت‌های مختلفی در حوزه سرمایه اجتماعی می‌باشد که می‌تواند به افزایش قدرت نرم منجر شود سئوالی که اکنون مطرح می‌شود این است که سرمایه اجتماعی چه رابطه‌ای با قدرت نرم جمهوری اسلامی

ایران دارد؟ و آیا نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران توانسته است از سرمایه اجتماعی برای افزایش قدرت نرم خود بهره برداری مناسب انجام دهد؟ و در پایان چه راه حل‌هایی در این زمینه متصور است؟ این پژوهش تلاش دارد با رویکرد کیفی و تحلیل تم به این پرسش‌ها پاسخ دهد.

### ۱- پیشینه پژوهش

نصری (۱۳۸۴) در مقاله خود معتقد است اگر سرمایه اجتماعی در یک جامعه در معرض سقوط نباشد می‌توان از بنیان‌های محکم و اجتماعی امنیت سخن گفت در غیر این صورت، گسیختگی عارض خواهد گردید. شریفی (۱۳۹۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تلاش دارد سرمایه اجتماعی را به عنوان عامل اثرگذار بر عملکرد دولت، اقتصاد و امنیت ملی تبیین نماید. ابوالفتحی (۱۳۹۲) در مقاله خویش معتقد است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با تکیه بر سرمایه اجتماعی و افزایش آن در سطح جامعه، به ارتقاء و افزایش قدرت نرم خود پردازد و از این طریق موجبات خنثی سازی تهدیدات نرم افزاری غرب را فراهم سازد. موسوی جشنی (۱۳۹۳) معتقد است که مؤلفه‌هایی نظیر الهام بخشی، هنجار سازی، هویت یابی مسلمانان، دیپلماسی فرهنگی، مدیریت افکار عمومی جهان، برتری علمی و حوزه دانش بر ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام مؤثر است. جهان بین و امامی (۱۳۹۳) اعتقاد دارند که سرمایه اجتماعی می‌تواند بر افزایش و یا کاهش انتظارات از بازیگران و یا تلقی شهروندان از توانایی‌های دولتمردان مژثر باشد. همچنین میزان مشارکت سیاسی به عنوان شاخص مهم وجود و سنجه اجتماعی سرمایه اجتماعی، نشان از وجود ضعف یا قدرت در جامعه است.

آلبانو و باربارا (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی، دولت رفاهی و مشروعیت سیاسی»، با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی به بررسی تأثیر متنی مکانیسم‌های خرد جهت توضیح مشروعیت سیاسی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آنها نشان می‌دهد که رفتار کمک کردن به دیگران در رژیم‌های رفاهی ضعیف‌تر، پیامدهای منفی و مضری برای مشروعیت سیاسی در پی دارد. چرا که این امر (کمک به دیگران) حس حقارت را در افراد ضعیف که محتاج کمک هستند را تقویت می‌کند و این حس باعث بی‌اعتمادی آنها به دولت و در نتیجه کاهش مشروعیت سیاسی دولت می‌شود.

تیلور (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «مشروعیت سیاسی و شهروندی اجتماعی» به بررسی مسئله مشروعیت سیاسی در دولت‌های رفاهی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که

معضل دولت در مقابله با سیاست‌های ریاضتی این است که خروجی دولت‌های رفاهی (برابری بیشتر، مزایای سخاوتمندانه و شغل خوب) اعتماد عمومی به دولت را افزایش می‌دهد، اما ورودی‌های لازم (هزینه‌های دولت، دخالت‌های قوه مقننه) جهت ارائه این خدمات به طور کامل انجام نمی‌شود.

## ۲- چارچوب نظری: سرمایه اجتماعی

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در ایران می‌باشد و هر دو مفهوم مذکور به تنهایی قابلیت پشتیبانی از موضوع پژوهش را ندارند بنابراین از ادبیات مربوط به هر دو مفهوم برای تبیین مسئله و به عنوان چارچوب نظری استفاده می‌شود.

### ۲-۱ سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی مفهومی بین رشته‌ای است که در جامعه‌شناسی، اقتصاد، روانشناسی و سایر حوزه‌های اجتماعی کاربرد دارد. البته خاستگاه این مفهوم، جامعه‌شناسی است (رنانی و مویدفر، ۱۳۹۴: ۲۵). به لحاظ ذاتی، ماهیت سرمایه اجتماعی می‌تواند شبکه‌های میان و بین افراد و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند را در برگیرد: شبکه‌هایی که طیفی از روابط از نوع دوستانه تا مشارکت سیاسی را در پیوند با نهادهای اجتماعی شامل می‌شود. آنچه که امروز سرمایه اجتماعی نامیده می‌شود اولین بار توسط امیل دورکهایم جامعه‌شناس فرانسوی بکار برده شد. به همین دلیل است که اعتقاد عمومی بر آن است که نظریه مدرن درباره سرمایه اجتماعی به «نظریه انجمنی» او برمی‌گردد جایی که انجمن‌های مدنی را همچون خون و نیروی زندگی بخش برای دموکراسی و حکمرانی دموکراتیک می‌داند. دورکهایم در آنچه که بعدها «آموزش اخلاقی» نامید شبکه‌های اجتماعی را عنصر ضروری برای رفاه و خرسندی جامعه و نیز برای ترویج اندیشه‌های جدید ضروری تشخیص داد. دورکهایم در بحث از چگونگی ترویج اخلاقیات سکولار در یک جامعه بر این نکته تأکید می‌کند که "اگر فرد قرار است انسانی اخلاقی باشد می‌بایست به دیگری پردازد و خود را وقف چیزی بیش از خود کند" (Owen, 2005: 37).

بورديو نیز با تقسیم سرمایه به سه شکل سرمایه اقتصادی که مستقیماً قابل تبدیل به پول است و در شکل حقوق مالکیت نهادینه شده است؛ سرمایه فرهنگی که قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و به صورت صلاحیت آموزشی نهادینه می‌شود؛ و سرمایه اجتماعی که از الزامات اجتماعی تشکیل شده که قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و به شکلی از خوشنامی نهادینه شود (Bourdieu, 1986, 243) سرمایه اجتماعی را نوعی ابزار دسترسی به منابع اقتصادی

و فرهنگی از طریق ارتباطات اجتماعی می‌داند. تأکید بورديو بر مشارکت فرد در شبکه‌های اجتماعی است که این مشارکت سبب دسترسی او به منابع و امکانات گروه می‌شود (استونز، ۱۳۸۳ : ۳۴۰). از دیدگاه بورديو سرمایه اجتماعی دو شاخص اساسی دارد: نخست روابط اجتماعی که افراد را قادر به دستیابی به منابعی می‌کند که دیگران یعنی هم گروه هایش صاحب آنها نیستند و دوم مقدار و کیفیت منابعی که حاصل فرد می‌شود. سرمایه اجتماعی این امکان را برای فرد فراهم می‌آورد تا به منابعی مانند اطلاعات، فرصت‌های اقتصادی و آموزشی دست یابد. (ساروخانی و امانی، ۱۳۹۱: ۸۴).

اما «جیمز کلمن» اولین پژوهشگری است که به بررسی تجربی مفهوم سرمایه اجتماعی پرداخته است. کلمن به کارکرد سرمایه اجتماعی توجه دارد. به نظر او، سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن، به منابع خود دست یابد. این بعد از ساختار اجتماعی، شامل تکالیف و انتظارات و مجاری اطلاع رسانی است که انواع خاصی از رفتار را تشویق یا منع می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷) از نظر کلمن، سرمایه اجتماعی سرمایه‌ای خالص و ناب نیست و یا اینکه همچون دیگر اشکال سرمایه به نظر نمی‌رسد؛ زیرا به شیوه‌های خاص آفریده می‌شود یا پدید می‌آید. برخلاف دیگر اشکال سرمایه، سرمایه اجتماعی در ساختاری از روابط بین افراد و درون آن به میراث می‌رسد و ماندگار می‌شود. اکثر اشکال سرمایه اجتماعی به وسیله دیگر فعالیت‌ها پدید می‌آیند و نابود می‌شوند (کلمن، ۱۳۷۷) به این ترتیب، از نظر وی، سرمایه اجتماعی تولید نمی‌شود؛ بلکه روی می‌دهد؛ زیرا محصول واسطه دیگر فعالیت‌هاست. وی اشکال سرمایه اجتماعی را شامل تعهدات، انتظارات، مجاری کسب اطلاعات و هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر می‌داند. (قرلباش و همکاران، ۱۳۹۲).

«رابرت پاتنام» نیز مقوله سرمایه اجتماعی را مرتبط با جمع و جامعه می‌داند «سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌تواند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآیی جامعه را بهبود بخشد.» سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخص را فراهم می‌کند که بدون آن غیرقابل دسترس خواهند بود (پاتنام، ۱۳۸۴: ۲۸۵). پاتنام معتقد است که اعتماد و ارتباط متقابل اعضا در شبکه به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضا جامعه موجود است. از آنجائیکه وی سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی می‌داند، تأکید وی بر مفهوم اعتماد در اندیشه او حائز اهمیت

است و همین عامل است که می‌تواند با جلب اعتماد میان مردم و دولتمردان و نخبگان سیاسی، موجب توسعه سیاسی شود. بنابراین اعتماد منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می‌شود. اگر در حکومتی به میزان زیاد اعتماد وجود داشته باشد به همان میزان رشد سیاسی و توسعه اجتماعی بیشتر خواهد شد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

«فرانسیس فوکویاما» از سرمایه اجتماعی یک تعریف جمعی ارائه می‌دهد و سرمایه اجتماعی را به عنوان دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی می‌کند. با این تعریف، اعتماد، شبکه‌ها، جامعه مدنی و موارد دیگری که با سرمایه اجتماعی همراهند تماماً آثار و نتایج سرمایه اجتماعی هستند نه اجزای تشکیل دهنده آن. او معتقد است که: «هر مجموعه‌ای از هنجارهای جا افتاده، سرمایه اجتماعی را تشکیل نمی‌دهند آنها باید به همکاری در گروه‌ها منجر شود و بنابراین با ارزش‌های معنوی سنتی همچون صداقت، پابندی به تعهدات، وظیفه شناسی و نظیر آن مرتبط هستند.» (فوکویاما، ۲۰۰۰: ۱۲۵). او معتقد است که سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند. (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰۵) از نگاه فوکویاما مهم‌ترین منابع سرمایه اجتماعی عبارت است از: خانواده و هنجارهای اجتماعی واضح است که هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند تقسیم پذیرند، یعنی می‌توانند تنها میان گروه محدودی از مردم از همان اجتماع مشترک باشند و نه در میان دیگران، در حالیکه سرمایه اجتماعی در همه جوامع وجود دارد اما می‌تواند به طرق مختلف توزیع گردد (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۹۷-۱۰۶).

## ۲-۲ قدرت نرم

قدرت نرم به عنوان یکی از اشکال رایج، مهم، کم هزینه و در عین حال مؤثر قدرت، در روند اعمال سیاست‌های هر نظام سیاسی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. قدرت نرم توانایی دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد برای رسیدن به اهداف خود از طریق متقاعد کردن دیگران می‌باشد. قدرت نرم بیش از آن که صبغه و ماهیتی اجبارآمیز و سخت افزارانه داشته باشد، اجتماعی بوده و در شبکه روابط اجتماعی که مؤلفه‌های آن اعتبار، اعتماد، مشارکت و مشروعیت است، معنا و مفهوم می‌یابد. برآیند ارتباط بین سرمایه اجتماعی و قدرت نرم؛ ارتقای مشروعیت، مشارکت، ثبات و پاسخگویی و تحول در کارکردهای نظام سیاسی است.

«آلوین تافلر» قدرت را در عریان‌ترین حالت، استفاده از خشونت، ثروت و دانایی برای واداشتن مردم به انجام کاری خاص قلمداد می‌کند. (تافلر، ۱۳۸۶: ۲۸). قدرت نرم اولین بار به

عنوان یک نظریه منسجم توسط " جوزف نای " مطرح شد. او معتقد است توانایی تأثیر بر رفتار دیگران برای رسیدن به نتایج دلخواه، میتواند از طریق سه شیوه انجام گیرد: میتوانید آنها را با تهدید مجبور کنید یا با پرداخت پول، تشویق کنید و یا میتوانید آنها را جذب یا همراه خود نمائید ( نای، ۱۳۸۷: ۶۸ ) نای با بیان دو مسئله، پیچیدگی طبیعت قدرت را آشکار می کند: نخست آنکه اگر در گذشته تنها منابع کمی و ملموس (جمعیت، سرزمین، نیروی نظامی) به عنوان منابع قدرت شناخته می شدند، در عصر حاضر منابع غیرملموس (قدرت اقتصادی) نیز به آنها افزوده شده است دوم، تحول در صورت قدرت است. او معتقد است که باید میان اعمال مستقیم قدرت به روش آمرانه و اعمال قدرت غیرمستقیم، قدرت به روش اقناعی، تفاوت قائل شد. در روش اول از تشویق، تهدید و اجبار برای تغییر رفتار سایر بازیگران استفاده می شود که همان قدرت سخت شناخته می شود ولی در روش دوم، از جذابیت عقاید و ارزش ها و همچنین توانایی تعیین دستور کار برای شکل دهی تمایلات و اولویت های دیگران و به تبع آن، تغییر رفتار آنها استفاده می شود که جوزف نای نام « قدرت نرم » بر آن می نهد ( Nye; 1990: 177 ). نای می گوید: " قدرت نرم به توانایی شکل دهی به اولویت های دیگران به منظور اینکه آنچه را که شما می خواهید، بخواهند، متکی است " ( نای، ۱۳۸۷: ۷۰ )

قدرت نرم، به معنای توانایی رسیدن به اهداف مورد نظر از طریق جلب دیگران به جای استفاده از زور دانسته شده است. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و خارجی و قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران دانسته شده است ( نای، ۱۳۸۲ ). قدرت نرم، بر خلاف قدرت سخت که دارای ساختاری هرمی با منطبق سلسله مراتبی و از سمت بالا به پایین است، در ساختاری دایره ای و فاقد اضلاع تعریف می شود که در آن، بر خلاف مدل سلسله مراتبی که امکان دیالکتیک کلیه اجزا و عناصر در آن واحد میسر نیست، منطبق دیالکتیک در آن باز تولید می گردد. نای قدرت نرم یا قدرت متقاعد کنندگی را اینگونه تعریف می کند: " قدرت متقاعد کنندگی یا قدرت نرم، توانایی یک کشور در ایجاد شرایطی است که در آن، سایر کشورها منافع و علایق خود را بصورتی تعریف و دنبال کنند تا با منافع و علایق آن کشور همخوانی داشته باشد. این مکانیسم می تواند از طریق جذابیت فرهنگ و ارزش های یک کشور برای سایرین صورت گیرد که دیگران را ترغیب به تبعیت از آن کشور کند و یا آنکه آن کشور بتواند دستور کار جهانی و هنجارهای بین المللی را منطبق بر خواست و هنجارهای کشور خود به پیش ببرد. بطور کلی قدرت در حال تبدیل شدن به امری کمتر قهرآمیز، کمتر ملموس و

کمتر انتقال پذیر است و بنابراین منابع جدید قدرت مانند ایدئولوژی ارزش‌ها و نهادها، دارای نقش بسیار پر اهمیتی شده‌اند. (Nye ;1990: 166) نای روش‌ها و ابزارهایی را نیز برای بهره برداری بهینه از قدرت نرم مطرح می‌کند که رسانه، سرگرمی، تبادلات دانشجویی و نهاد سازی از آن جمله است.

قدرت نرم دارای ماهیتی اجتماعی است و لذا بدون توجه به مؤلفه‌های محیطی نمی‌توان آن را درک و معنا کرد. تصریح «جوزف نای» بر اینکه قدرت نرم در شبکه به هم تنیده روابط و مناسبات اجتماعی شکل گرفته و معنا می‌شود، دلالت بر همین ویژگی دارد. اهمیت فرهنگی قدرت نرم از آن روست که موجب نوعی «همانند سازی» عمیق دیگران با ارزش‌ها و باورهای آن می‌شود. از نظر وی ویژگی‌های قدرت نرم فرهنگی عبارتند از: انعطاف پذیری، پویایی، برخورداری از ارزش‌های پایدار. می‌توان قدرت سخت را نمودی از «قدرت‌های غیراجتماعی شده» تلقی کرد. بدین معنا که آن دسته از عوامل قدرت که در تعامل با اصول هویت و فرهنگ و اجتماع قرار نمی‌گیرد، در زمره قدرت سخت قرار می‌گیرند و آن دسته از عوامل که از ماهیت اجتماعی و بافت سیاسی جامعه تولید می‌شود، "قدرت نرم" نامیده می‌شود. شاید بتوان اصطلاح "سرمایه اجتماعی" را بهترین مؤلفه برای مفهوم جدید اجتماعی قدرت دانست.

### ۳- رابطه سرمایه اجتماعی و قدرت نرم

برخی از پژوهشگران علوم سیاسی بر این اعتقادند که در دنیای امروز راه‌های ابزار تحصیل مشروعیت از شکنندگی زیادی برخوردار است و لذا بسیاری برای حفظ مشروعیت به ویژه در کشورهای جهان سوم بر منابع نمادی (سمبلیک) تأکید می‌کنند (قوام، ۱۳۸۰: ۱۵۱) پژوهشگران علوم سیاسی بر پنج نوع از مشروعیت اشاره کرده‌اند که عبارتند از: مشروعیت سنتی، مشروعیت ایدئولوژیک، مشروعیت شخصی، مشروعیت رویه‌ای و مشروعیت ابزاری. به طور کلی نظامهایی که حق حکومت کردن را بر طبق اصول سنتی، ایدئولوژیک و شخصیتی مشروعیت توجیه می‌کنند بیشترین استفاده را از نمادها می‌برند (قوام، ۱۳۸۰: ۱۵۲) برخی مشروعیت را به معنای مطابقت داشتن نظام سیاسی یک کشور با ارزش‌های مقبول آن جامعه دانسته‌اند، یا آنطور که «دوورژه» می‌گوید: «تطابق رژیم با اجماع عمومی، اساس رابطه یک نظام سیاسی با جامعه است (نقیب زاده، ۱۳۷۲: ۳۳). همانطور که پاتنام متذکر شده، اعتماد و همکاری، خود تقویت کننده و انباشتی است و حلقه‌ای از اعتماد، به سطوح بالاتر همکاری و درگیرشدگی مدنی میانجامد که این امر موجب کارایی و پاسخگویی بیشتر حکومت و در واقع، حکمرانی خوب خواهد شد. جوامعی که کاملاً جدا از هم هستند، اعتماد،



مشارکت، شبکه کاری مثبت و همکاری دوجانبه و متقابل بین اعضاء را به میزان کمتری تجربه می‌کنند. این شرایط نیز به نوبه خود اثر منفی بر کیفیت زندگی اعضا خواهد داشت. در واقع، جوامع تقسیم شده در تولید وجه منفی سرمایه اجتماعی، به میزان بیشتری سرمایه گذاری نموده و این امر در کاهش انعطاف پذیری افراد و گروه‌ها و بی میلی آنها نسبت به هویت ملی، نقش بسزایی خواهد داشت (آقا حسینی، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از ارکان مهم قدرت نرم، از مجموعه‌ای از هنجارها و ارزش‌های موجود در سیستم‌های فکری، علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه منتج می‌شود که این هنجارها و ارزش‌ها، حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی و اقتصادی و دارای ویژگی اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی و... است. اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی، رضایتمندی و حساسیت سیاسی، از مهم‌ترین مراکز ثقل سرمایه اجتماعی می‌باشند. اعتماد سیاسی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های تشکیل دهنده قدرت نرم است. اعتماد سیاسی؛ یعنی اعتماد به حکومت، که در اثر رضایت مردم از خدمات دولتی خاص ایجاد می‌شود. اعتماد سیاسی مردم سبب افزایش حساسیت سیاسی آنها شده و به تبع میزان مشارکت و مشروعیت سیاسی نظام افزایش می‌یابد. مشارکت سیاسی که می‌تواند زمینه مشروعیت سیاسی دولت را به وجود بیاورد، باید به صورت داوطلبانه، آگاهانه، نهادمند، مستمر و برای تأثیر گذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا گزینش رهبران سیاسی در سطوح مختلف حکومتی اعم از محلی یا ملی، با استفاده از روشهای قانونی صورت پذیرد. (ماهپیشانیان ۱۳۹۰: ۱۶-۱۷) باید گفت که نسبت سرمایه اجتماعی با قدرت دوسویه است؛ بدین معنا که می‌توان از رهگذر تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به افزایش قدرت نرم و همچنین افزایش میزان قدرت ملی امیدوار بود؛ و بالعکس با افزایش قدرت ملی، میزان سرمایه اجتماعی نیز ارتقاء یابد. این تعامل در نهایت می‌تواند به شکوفایی جامعه در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منجر شود. مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی که شامل اعتماد، هنجارها، ارزش‌ها و مشارکت سیاسی است و وجوه مختلف آن از جمله ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با منابع قدرت نرم که عبارت از فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی و همچنین وجوه هنجاری و اجتماعی قدرت نرم است ارتباطی ناگسسته و دوسویه دارد.. (قربانی شیخ، ۱۳۹۰: ۲۰) کشوری که دارای عناصری چون ثبات سیاسی پاسخگویی، انسجام اجتماعی، دلبستگی ملی، هویت جمعی، تعهد و رضایتمندی باشد، از قابلیت اثرگذاری بیشتری برخوردار است و قدرت نرم آن افزونتر از کشورهای دیگر است. هر چقدر انسجام ملی یک جامعه، یا گروه،

بیشتر باشد، آن جامعه و گروه از قدرت نرم بیشتری برخوردار است و بیشتر قادر است نتایج بهینه تری کسب کند و در مقابل تهدیدات داخلی و خارجی واکنش کارآمدتری نشان دهد بنابراین از آنجایی که سرمایه اجتماعی نقشی بسیار مهم در افزایش اعتماد و وفاداری ملی به دولت و به تبع آن افزایش مشروعیت سیاسی دارد، می‌تواند به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی افزایش قدرت نرم مورد توجه قرار گیرد. شاخص‌هایی همچون مشارکت سیاسی، مشروعیت، انسجام داخلی، یکپارچگی ملی، کارآیی دولت و حاکمیت قانون در لایه‌های داخلی (مردم-مردم و مردم-حاکمیت) می‌تواند نقشی مؤثر و افزایش‌دهنده در تولید قدرت نرم داشته باشد که طبیعتاً این انسجام و همبستگی داخلی می‌تواند عاملی مهم در سیاست خارجی و تأمین منافع ملی و کسب پرستیژ و مشروعیت در نظام بین‌الملل باشد. قدرت نرم با تولید و توزیع آموزه‌ها و ارزش‌های خاص و جذاب، بنیانهای ارزشی و ارکان کشور را تقویت کرده و در راستای وضعیت مطلوب قرار می‌دهد. در نهایت میتوان گفت که قدرت نرم بیش از آن که صبغه و ماهیتی اجبارآمیز و سخت‌افزارانه داشته باشد، اجتماعی بوده و در شبکه روابط اجتماعی که مؤلفه‌های آن اعتبار، اعتماد، مشارکت و مشروعیت است، معنا و مفهوم می‌یابد. برآیند ارتباط بین سرمایه اجتماعی و قدرت نرم؛ ارتقای مشروعیت، مشارکت، ثبات و پاسخگویی و تحول در کارکردهای نظام سیاسی است.

#### ۴- روش تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تحقیق کیفی عموماً به هر نوع تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی<sup>۱</sup> به دست نیامده باشد (Corbin & Strauss, 2008). داده‌های این نوع تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه یا تعامل‌های شفاهی گردآوری شده و متمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان در آن است. این نوع تحقیق، تحقیقی است که اطلاعات خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر اجتماعی دست‌نخورده به دست می‌آورد. از نظر پارادایمی، تحقیق کیفی اصولاً مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی-برساخت‌گرایی اجتماعی می‌باشد، اما در خلال چند دهه اخیر از سوی سایر پارادایم‌های غیراثباتی از جمله پارادایم‌های انتقادی، فمینیسم و پست‌مدرنیسم و حتی پسا اثبات‌گرایی نیز به کار گرفته شده است. مواضع پارادایمی تفسیری-برساختی، همه مراحل تحقیق کیفی از طرح مسئله تا تحلیل داده‌های کیفی را جهت می‌دهد. روش پژوهش در این

<sup>1</sup>quantification

تحقیق: با توجه به مطالب مذکور این تحقیق از نظر هدف توسعه‌ای و از نظر روش شناسایی توصیفی با استفاده از روش مطالعه موردی می‌باشد و از نظر فلسفی در طبقه تحقیق پارادایم تفسیرگرایی قرار می‌گیرد که از استراتژی قیاسی و استقرایی تواما استفاده می‌کند. جهت گیری این پژوهش توسعه‌ای است زیرا که در صدد شناسایی رابطه میان سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در ایران و ارائه راهکارهای لازم در این حوزه می‌باشد. از آنجایی که قبل از این، کمتر پژوهشی در این باب با روش کیفی و به شیوه کنونی، پژوهش توسعه‌ای محسوب می‌شود. در واقع زمانی که دانشی از حوزه بنیادی یا کاربردی توسعه داده می‌شود آن را پژوهش توسعه‌ای می‌نامند (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۳۲-۳۳).

رویکرد پژوهش نیز استقرایی است زیرا که پژوهشگر به بررسی جزئیات و طبقه‌بندی آن‌ها می‌پردازد تا ابعاد و اجزای اصلی رابطه میان سرمایه اجتماعی و قدرت نرم را در ایران طراحی کند. در مرحله طراحی چارچوب برای گردآوری اطلاعات از کتاب‌ها و مقالات مرتبط موضوع پژوهش استفاده شده است بدین منظور جستجوی کتابخانه‌ای و اینترنتی از پیشینه نظری مرتبط با موضوع پژوهش در حوزه‌های قدرت نرم و سرمایه اجتماعی و همچنین رابطه آنها صورت پذیرفت.

ابزار گردآوری اطلاعات، علاوه بر مصاحبه با خبرگان، کارشناسان و متخصصین سازمان و سایر خبرگان آگاه، فیش برداری از منابع کتابخانه‌ای و ترجمه مطالب مرتبط با این حوزه بوده است زیرا مصاحبه و پیمایش نگرش‌های افراد را می‌سنجد و محدود به نظرات افرادی است که قابل دسترسی هستند. از این رو در کنار مصاحبه در این پژوهش باید از روش‌های دیگری نیز استفاده می‌شد. جامعه آماری در این پژوهش خبرگان و دست‌اندرکاران دانشگاهی متخصص در حوزه سرمایه اجتماعی و قدرت نرم بوده است.

در این تحقیق، تعداد نمونه از ابتدا مشخص نبود. به این دلیل که زمانی جمع‌آوری اطلاعات متوقف می‌شود که اشباع نظری حاصل شود و از ابتدا نمی‌توان گفت که با چه تعداد نمونه، پژوهشگر به این اشباع خواهد رسید در نمونه پژوهش کیفی باید از آزمودنی‌هایی استفاده شود که بهترین دانش در مورد موضوع پژوهشی را دارا هستند. این امر باعث می‌شود که کارآمدی و اثربخشی اشباع نظری همراه با بهینه کردن کیفیت داده‌ها تضمین شود (دانایی فرد و مظفری، ۱۳۸۷).

بنابراین در تحقیق کیفی مورد نظر این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. در این روش نمونه‌گیری همه مواردی که با معیار معینی سازگاری

دارند انتخاب شدند. گاهی اوقات ممکن است پژوهش ایجاب کند که اطلاعاتی از افراد و گروه‌های خاصی به دست آورده شود، یعنی انواع خاصی از افراد که قادر به ارائه اطلاعات مورد نظر پژوهشگر هستند، زیرا آنها تنها افرادی هستند که می‌توانند چنین اطلاعاتی ارائه دهند یا برخی از معیارهایی که پژوهشگر تدوین کرده مطابقت دارند (دانایی فرد، الوانی و آذر، ۱۳۹۰).

#### معرفی مشارکت‌کنندگان در تحقیق و نحوه انتخاب آنها (نمونه‌گیری)

کفایت نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی بر اساس اشباع و تکرارپذیری محقق انجام می‌گیرد (مورس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷ به نقل از دانایی فرد و مظفری، ۱۳۸۷). از این رو، نمونه‌گیری پژوهش حاضر در تمامی مراحل پژوهش به صورت قضاوتی و هدفمند و با توجه به ویژگی‌های زیر صورت گرفته است:

مشارکت‌کننده، متخصص حوزه سرمایه اجتماعی بوده است؛

مشارکت‌کننده، صاحب‌نظر در حوزه قدرت نرم و سرمایه اجتماعی در مجامع علمی کشور بوده است؛

مشارکت‌کننده، دارای تجربیات اجرایی و پژوهشی در حوزه‌های مذکور بوده است.

#### ۴-۱ تعداد و روش نمونه‌گیری

با توجه به کیفی بودن پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند-نظری برای انتخاب افراد مورد مصاحبه و تعیین تعداد آنها استفاده می‌شود. حجم نمونه در مطالعات کیفی و مطالعات موردی به سطح اشباع نظری<sup>۲</sup> سوال‌های تحقیق بستگی دارد. اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که محقق به این نظر برسد که در یک مرحله از کار شباهت مفاهیم به دست آمده زیاد شده و مفاهیم جدیدی به دست نمی‌آید (Glaser & Strauss, 1967: 17).

در تحقیق حاضر از روش کیفی تحلیل تم و روش QFD برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش استفاده شده است. استفاده از شیوه تحلیل تماتیک برای تحلیل و تفسیر داده‌ها از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است (محمدپور، ۱۳۸۸). تحلیل تماتیک عبارت از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی که طی آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. به عبارت دیگر، تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها

<sup>۱</sup> . Morse

<sup>۲</sup> . Theoretical saturation

چه می‌گویند. این نوع تحلیل به دنبال الگویی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی، تم‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند (Thomas & Harden, 2008). استفاده از مطالعات کیفی به ویژه روش تحلیل تم زمانی ضرورت پیدا می‌کند که اطلاعات اندکی در مورد پدیده مورد مطالعه وجود داشته باشد و یا این که در مطالعات و تحقیقات انجام شده در ارتباط با موضوع مورد نظر، فقدان یک چارچوب نظری که به صورتی جامع به تبیین موضوع پردازد، مشهود باشد. به رغم مطالعات و تحقیقاتی که در حوزه سرمایه اجتماعی و قدرت نرم بصورت جداگانه وجود دارد اما پژوهش‌های اندکی در ارتباط با رابطه این دو وجود دارد لذا نبود یک چارچوب نظری جامع ضرورت استفاده از این شیوه تحلیل را مطرح می‌کند. از طرف دیگر از روش QFD نیز برای تجزیه و تحلیل و اولویت بندی چالش‌ها استفاده می‌شود.

جدول ۱- مشخصات نمونه آماری در این پژوهش

ردیف	تخصص	موقعیت شغلی و آکادمیک
۱	دکتری جامعه‌شناسی سیاسی	استاد دانشگاه امام صادق
۲	دکتری علوم اجتماعی	استادیار دانشگاه امام حسین
۳	دکتری علوم سیاسی	استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
۴	دکتری علوم سیاسی	دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
۵	دکتری علوم سیاسی	استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مفید
۶	دکتری علوم سیاسی	استادیار دانشگاه امام صادق
۷	دکتری علوم سیاسی	استادیار دانشگاه مازندران
۸	دکتری علوم اقتصادی	استادیار دانشگاه امام صادق
۹	دکتری روابط بین‌الملل	مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۰	دکتری علوم سیاسی	عضو هیأت علمی دانشگاه بوشهر
۱۱	دکتری علوم سیاسی و حوزوی	عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور
۱۲	دکتری علوم سیاسی	استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی
۱۳	دکتری جامعه‌شناسی	دانشیار دانشگاه تبریز

با توجه به کلیه مطالب گفته شده روش گردآوری، ابزار گردآوری و شیوه تحلیل اطلاعات به شرح جدول شماره ۳ خلاصه شده است:

جدول ۲- روش گردآوری، ابزار گردآوری و شیوه تحلیل اطلاعات

سوالات	منبع داده	ابزار گردآوری اطلاعات	شیوه تحلیل
وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران چگونه است؟	منابع و متون و خبرگان در حوزه رابطه سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در ایران	منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته	توصیف تمها QFD
زمینه‌های مقوم سرمایه اجتماعی در ایران در چه مواردی است؟	منابع و متون و خبرگان در حوزه رابطه سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در ایران	منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته	توصیف تمها QFD
معنا و الزامات قدرت نرم در ایران کدام است؟	منابع و متون و خبرگان در حوزه رابطه سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در ایران	منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختار یافته	توصیف تمها QFD
وضعیت قدرت نرم در ایران چگونه است؟	منابع و متون و خبرگان در حوزه رابطه سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در ایران	منابع متعدد اسناد و مدارک مصاحبه‌های عمیق	توصیف تمها QFD
چه رابطه‌ای میان قدرت نرم و سرمایه اجتماعی در ایران وجود دارد؟	منابع و متون و خبرگان در حوزه رابطه سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در ایران	منابع متعدد اسناد و مدارک مصاحبه‌های عمیق	توصیف تمها

از نگاه سوژه‌ها کشف کرده و تحقیق خود را به توضیح محض داده‌ها و واحدهای مورد در پژوهش حاضر از تحلیل همبستگی به روش کمی و کیفی و در جمع آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و تمرکز بر مصاحبه با صاحب نظران (استادان دانشگاه، جامعه شناسان و متخصصان سیاسی) استفاده شده است جامعه آماری پژوهش حاضر اساتید رشته علوم سیاسی و علوم اجتماعی دانشگاههای کشور. و نمونه آماری، ۱۳ تن از این اساتید که در مقوله سرمایه اجتماعی و قدرت نرم صاحب قلم می‌باشند. مصاحبه بصورت حضوری و ضبط گفتگو و در

برخی موارد بصورت اینترنتی و از طریق ایمیل صورت پذیرفت و با طرح ۱۱ سؤال در شش بخش: اول، معنای سرمایه اجتماعی دوم، و وضعیت سرمایه اجتماعی، سوم، زمینه‌های مقوم این وضعیت چهارم، فهم معنای قدرت نرم از نظر گاه مصاحبه شوندگان پنجم فهم و وضعیت قدرت نرم در ایران و زمینه‌های این وضعیت و ششم فهم رابطه میان سرمایه اجتماعی و قدرت نرم از دید مصاحبه شوندگان مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

جدول ۳- از نظر مصاحبه شوندگان: واحدهای معنایی، مقولات اصلی و هسته‌های مرکزی

کدگذاری باز (مقولات اصلی)	کدگذاری محوری (مقولات اصلی)	کدگذاری گزینشی (هسته مرکزی)
اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، آگاهی اجتماعی، احساس وفاداری به کشور، عقلانیت، مسئولیت پذیری، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی بین فردی، اعتماد اجتماعی بین نهادی، اعتماد اجتماعی نهادی، همدلی، شبکه روابط انسانی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعاملات، اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی، رضایتمندی و حساسیت سیاسی.	اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی	اعتماد اجتماعی
وضعیت نامطلوب سرمایه اجتماعی، و وضعیت نامساعد سرمایه اجتماعی، افول سرمایه اجتماعی، افول اعتماد اجتماعی.	ضعف سرمایه اجتماعی	افول سرمایه اجتماعی
زمینه‌های نامساعد رشد سرمایه اجتماعی، بی اعتمادی به نظام اقتصادی- اجتماعی، بی اعتمادی به تعاملات خانوادگی، بی توجهی به احزاب، بی توجهی به سازمان‌های مردم نهاد، فساد در نظام سیاسی، ناکارآمدی نهادهای دولتی، بی اعتمادی اجتماعی، بی اعتمادی نسبت به نهاد سیاسی، فساد اداری و نهادی، فساد ساختاری و سیستمی.	بی اعتمادی اجتماعی، فساد ساختاری، بی توجهی به نهادهای مدنی	ناکارآمدی و فساد ساختاری
باورها و ارزش‌ها، دین، هویت سازی، هویت جمعی، هویت سیاسی، مشارکت در نظام جهانی، فرهنگ سازی، کنشگری در تعاملات فرهنگی و بین المللی، پرهیز از قدرت سخت برای جبران نواقصمان در قدرت نرم، باورهای دینی و مذهبی، عدالت خواهی، اخلاق مداری	فرهنگ، دین، هویت اسلامی، هویت ملی، ایدئولوژی انقلابی،	منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

کدگذاری گزینشی (هسته مرکزی)	کدگذاری محوری (مقولات اصلی)	کدگذاری باز (مقولات اصلی)
<p>نبود شایسته سالاری</p>	<p>فساد و ناکارآمدی ساختاری، عدم توسعه فرهنگی، مشارکت بین المللی ناکارآمد، بی اعتمادی نهادی، امنیتی شدن جامعه، بی توجهی به نهادهای مدنی، مدیریت فرهنگی ناکارآمد، بی توجهی به امر پژوهش</p>	<p>فساد اداری، ناکارآمدی نظام اقتصادی، ناتوانی نظام اقتصادی در پاسخگویی به نیازهای جامعه مانند بیکاری، ناکارآمدی نهادهای فرهنگی، سیاست خارجی ضعیف در منطقه، ضعف در کنترل مواد مخدر، ضعف در کنترل تروریسم، ناکارآمدی سیاست‌های حمایت از تولید داخلی، سوء مدیریت در تناسب واردات و صادرات، عدم توازن سیاست‌های کشور در ارتباط با قدرت سخت و نرم، فقر و بی عدالتی در جامعه، بی توجهی به تکثر فکری و فرهنگی، ناتوانی رسانه‌ها در آگاهی بخشی، وضعیت نامطلوب مشارکت سیاسی، ماجراجویی‌های نامعقول در سیاست خارجی، فضای بسته اجتماعی، عدم برنامه ریزی اجتماعی، نبود جامع نگری، جامعه پذیری نارسا، ضعف فرهنگ سازی، ضعف توسعه فرهنگی، سیاست گذاری نارسا در امور داخلی، سیاست زدگی فرهنگی، امنیتی شدن فرهنگ، نگاه امنیتی به خرده فرهنگ‌ها و اقلیت‌ها، سوء مدیریت فرهنگی، فرهنگ سازی از طریق دولت، بی توجهی به ظرفیت نهاد های مدنی در فرهنگ سازی، موازی کاری فرهنگی، شعارزدگی، عدم تناسب میان سیاست های اعلامی و اعمالی، رویکرد ایدئولوژیک، کمی نگری نهادهای دولتی به نگرش کیفی به توسعه، نگرش لیبرالی در معرفت شناسی، انفعال در برابر نفوذ فرهنگی، استحاله هویت ملی، توسعه فرهنگی نامتوازن، آسیب های اجتماعی، فقدان برنامه ریزی در نظام آموزشی کشور در جهت اسلامی شدن محیط دانشگاهها و آموزش و پرورش، عدم نظارت اجتماعی بر فعالیتهای نهادی، ناتوانی در بکارگیری ظرفیت های موجود، فهم نادرست از فرهنگ، فقدان سیستم مناسب ارزیابی و کنترل کیفی عملکردهای فرهنگی</p>



کدگذاری باز (مقولات اصلی)	کدگذاری محوری (مقولات اصلی)	کدگذاری گزینشی (هسته مرکزی)
در داخل کشور، وجود شکاف بین مدیریت‌های فرهنگی و مراکز تحقیقاتی، بی‌توجهی به امر مطالعه و پژوهش در امور و فعالیت‌های فرهنگی، روزمرگی و عمل‌زدگی ناشی از فراموش نمودن آموزش و تحقیق از نشانه‌های ضعف در قدرت نرم است		

از نتایج تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته می‌توان اذعان داشت که:

- سه ویژگی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردند.
- وضعیت نامطلوب و نامساعد سرمایه اجتماعی، کاهش و افول اعتماد اجتماعی به دلایل: بی‌اعتمادی اجتماعی، فسادساختاری، بی‌توجهی به نهادهای مدنی در ایران قابل مشاهده است.
- فرهنگ، دین، هویت اسلامی، هویت ملی و ایدئولوژی انقلابی از عوامل و عناصر شکل دهنده قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.
- فساد و ناکارآمدی ساختاری، عدم توسعه فرهنگی، مشارکت بین‌المللی ناکارآمد، بی‌اعتمادی نهادی، امنیتی شدن جامعه، بی‌توجهی به نهادهای مدنی، مدیریت فرهنگی ناکارآمد و بی‌توجهی به امر پژوهش از عوامل تأثیرگذار بر وضعیت نامطلوب قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد.

### ۵- بحث و نتیجه گیری

نظام جمهوری اسلامی ایران برای افزایش مشروعیت سیاسی و قدرت نرم خود برای مقابله با تهدیدات نرم نظام جهانی نیازمند تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی برون‌گروھی است. شاخصه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در اسلام شیعی، فرهنگ اسلام ناب محمدی، ارزش‌های ملی و تاریخی، همچنین تعهد به ابعاد هویت مدرن همچون قانون اساسی، مجلس، مشارکت سیاسی و انتخابات، حقوق اقلیت‌ها و... می‌باشد. این مولفه‌ها رد یک رابطه وابستگی متقابل با سرمایه اجتماعی قرار دارند. به عبارت دیگر در صورت بهره‌گیری از مولفه‌های سرمایه اجتماعی می‌تواند به تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی منجر شود. با اینحال نتایج تحقیقات مختلف و در این پژوهش (مصاحبه با خبرگان) نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در ایران به دلایل مختلف نتوانسته به افزایش قدرت نرم منجر شود. به عبارت دقیق‌تر جمهوری

اسلامی می‌توانست با تکیه بر عقلانیت آگاهانه به تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی بپردازد آنچه انجام شده عمدتاً استفاده از ذخیره فرهنگی مذهبی است و نه تولید و بازسازی توأم با عقلانیت استراتژیک. بهر حال آنچه حادث شد زوال سرمایه اجتماعی و به تبع آن قدرت نرم کشور بوده است. ریشه‌های این امر را می‌توان در افزایش فساد و ناکارایی و بحران‌های مختلف در سطح جامعه و دولت جستجو کرد. بنابراین باید راه حل‌های اساسی جهت بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی (یا تقویت آن) در راستای قدرت نرم بکار گرفته شود.

نتایج این پژوهش با تحقیق حیدری (۱۳۸۹) همخوانی دارد که نشان دادند حیدری (۱۳۸۹) فقدان و ضعف سرمایه اجتماعی باعث ضعف ارتباط و بحران‌های پنج‌گانه هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع میگردد که این امر به نوبه خود امنیت ملی را به مخاطره می‌اندازد. همچنین یافته‌های این پژوهش با تحقیق موسوی (۱۳۸۹) که معتقد است سرمایه اجتماعی همانند سرمایه اقتصادی، یا سرمایه انسانی ماهیتی زاینده و پویا داشته و می‌تواند ایجاد ارزش، قدرت و اقتدار نماید، مطابقت دارد.

بعلاوه از جمله دستاوردهای این پژوهش این است که نشان می‌دهد مولفه‌های قدرت نرم ایران در ارزش‌های متعالی شیعی ریشه دارد و از این نظر با پژوهش هرسیچ (۱۳۹۰) همسو است که نشان داد سه مؤلفه اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مرکب از نظریه مردم‌سالاری دینی، فرهنگ شهادت و عدالت، و اصول استقلال و آزادی، دارای عناصری تفکیک‌ناپذیر از یکدیگر هستند که برگرفته از مبانی اسلام ناب محمدی (ص) و به ویژه فرهنگ متعالی شیعه است و تأکید بر این عوامل باعث افزایش کارکرد سرمایه اجتماعی و بالطبع افزایش قدرت نرم در جمهوری اسلامی خواهد شد.

همچنین یافته‌های این پژوهش با تحقیق قربانی شیخ‌نشین (۱۳۹۰) مطابقت دارد. قربانی در پژوهش خود نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهمی در زمینه امور حکومت‌داری، تقویت مشروعیت سیاسی، ارتقای ظرفیت سیاسی و افزایش قدرت نرم ایفا می‌کند. در ضمن مشروعیت سیاسی، یکپارچگی و توان سیاست‌سازی از ارکان اصلی قدرت نرم در بُعد داخلی و خارجی کشور محسوب می‌شود که این خود ریشه در سرمایه اجتماعی دارد و سرمایه اجتماعی قادر خواهد بود نقشی تسهیل‌کننده با اتلاف هزینه‌های بسیار ناچیز در عرصه قدرت نرم که شامل مشارکت سیاسی و مشروعیت سیاسی، انسجام اجتماعی، ریاضت‌پذیری، عرق‌ملی، کاهش انحرافات، روحیه ملی و عزم عمومی است، جهت حل مشکلات نظام سیاسی ایفای نقش می‌کند.

پژوهش حسینی (۱۳۹۲) نیز که معتقد است قدرت نرم جمهوری اسلامی با کارکردهایی نظیر: احیای هویت جهان اسلام، ارتقاء بیداری اسلامی، بازسازی تمدن نوین اسلامی، تغییر معادله قدرت در منطقه، به چالش کشیدن هژمونی غرب، الهام بخشی و ... همبستگی دارد با این تحقیق همخوانی دارد.

## ۶- راهکارها و پیشنهادات

- تقویت سه اصل تأمل (در وضعیت فعلی)، تعامل (با جهان خارج) و تولید نظریه؛
- مبارزه قاطع و همه جانبه با مفسد دولتی-حرفه‌ای شدن دولت و افزایش کارآمدی آن-
- اصلاح رابطه مردم و دولت و حذف دروغ- اولویت بخشیدن به مقوله تربیت اجتماعی؛
- تقویت قدرت نمادپردازی جامعه؛
- دولتمردان ایران باید ضمن توجه به تقویت جنبه سخت قدرت (تقویت توان نظامی و اقتصادی)، توجه ویژه‌ای به قدرت نرم و ابعاد آن داشته باشند. تلاش برای رفع فقر و بی عدالتی قضایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور، توجه به تنوع تفاوت‌های فکری موجود در جامعه و تلاش در جهت نزدیکی و پیوندهای مختلف قومی-زبانی، نژادی، حرکتی آرام و پیوسته در جهت آگاهی بخشی به افکار عمومی توسط رسانه‌ها و نه مدیریت افکار آنها، مشارکت سیاسی در حل بحرانهای مختلف و پرهیز از مباحث رادیکال بدون در نظر گرفتن موقعیت و جایگاه قدرت ملی کشورمان در فضای سیاسی بین‌المللی؛
- ذهنیت نخبگان، مجریان، ساخت دیوانسالاری و سیاستگذاران امنیتی و دیپلماسی با مقتضای جهانی شدن منطبق شود؛
- لزوم تصحیح و باز تعریف درک و برداشت سیاستگذاران نسبت به پروسه جهانی شدن و پروژه جهانی سازی و لزوم تفکیک آنها؛
- شناسایی عصر ارتباطات و فضای سایبر به عنوان یک موضوع نوپدید، فراگیر، بحث‌انگیز و دگرگون‌ساز؛
- آگاهی از ویژگی‌های مثبت و منفی فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطاتی و ارائه راهکار برای افزایش جنبه‌های مثبت این فناوریها؛
- شناخت میزان اثرپذیری حوزه‌های مختلف از فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطاتی؛ با تأکید بر حوزه‌های امنیتی و دیپلماسی؛
- طراحی و پیشنهاد الگوی مناسب برای سیاستگذاری در شرایط تأثیر فناوریهای اطلاعاتی و ارتباطاتی بر حوزه‌های امنیتی و دیپلماسی؛

- شناسایی و استفاده از پتانسیلهای افکار عمومی، جامعه مدنی و شهروندان؛
- استفاده از سرمایه اجتماعی، نهادهای مردمی، غیردولتی و جامعه مدنی در جهت دفع تهدیدات نرم و تبدیل آنها به فرصت؛
- ارتقای اعتماد عمومی نسبت به رسانه‌های ملی با صراحت و شفافیت در اطلاع رسانی؛
- لزوم درک چهره جدید امنیت و دیپلماسی عمومی جدید و برنامه ریزی و سیاستگذاری با توجه به شرایط و فضای جدید؛
- تهدید شناسی و بررسی آسیب‌ها در حوزه امنیتی و دیپلماسی و تأکید بر راهبردهایی در جهت رفع آنها؛
- مدیریت تهدیدات جدید از طریق شناخت زمینه‌های تهدید و حوزه‌های آن، شناخت اهداف تهدید (هویت، مشروعیت و افکار عمومی) و شناخت ابزارهای تهدید (رسانه‌ها و ابزارهای غیر خشن)؛
- اجماع بر سر ناکارایی یا کم اهمیت بودن دفاع عامل و درک ضرورت دفاع غیرعامل با توجه به شرایط جدید؛ بکارگیری اصول و معیارهای پدافند غیرعامل به عنوان تکمیل زنجیره دفاعی؛
- شناساندن و آشکارسازی پشت پرده دیپلماسی عمومی جدید؛ قدرت نرم و پروژه یکسان سازی و جهانی سازی؛
- ملموس و عینی کردن آسیبهای دیپلماسی عمومی و قدرت نرم برای هویت اسلامی و ایرانی و به تبع آن برای امنیت کشور؛
- استفاده از قدرت نرم و دیپلماسی عمومی جدید و تقویت آن در برابر پروژه‌های غرب؛
- استفاده از ابزارهای نرم افزاری در جهت بی اثر کردن دیپلماسی عمومی جدید غرب.

## منابع و مأخذ:

- آقا حسین علیرضا، محمدیفر، نجات ونجفی، داوود " بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشروعیت نظام سیاسی (مطالعه موردی: دانشگاه اصفهان) فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۷، شماره ۳، بهار ۹۲، صفحات ۱۸۱-۱۵۵
- ابوالحسنی، خسرو، نجاتی مفرد، علیرضا (۱۳۹۰)، "قدرت نرم و سرمایه نرم اجتماعی در سند چشم انداز"، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره دوم، شماره ۱۱
- ابوالحسن تهبایی، حسین، حضرتی صومعه، زهرا. "بررسی نظری پژوهشهای سرمایه اجتماعی در جامعه ایران" فصلنامه علوم رفتاری / ۳۰-۵۲
- ابوالفتحی، محمد؛ نوری، مختار؛ تاثیر سرمایه اجتماعی بر افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران " پژوهشنامه انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۹۲، سال دوم - شماره ۲
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، "توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- استونز، جیمز؛ فرین، ادوارد (۱۳۸۳)، "مدیریت: رهبری و کنترل، ترجمه: محمد اعرابی و علی پارسائیان، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- الوانی، سید مهدی، دانائی فرد، حسن، آذر، عادل (۱۳۹۰)، روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکرد جامع،
- الوانی، مهدی؛ شیروانی، علیرضا (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها)، تهران: انتشارات مانی.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۵)، علم علم و تأمل پذیری، ترجمه:یحیی امامی، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور.
- پیشگاهی فرد، زهرا و دیگران (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره شصت و یک، زمستان.
- پولوردی، مجید (۱۳۸۷)، کابد شکافی قدرت نرم، روزنامه کیهان ۱۳۸۷/۰۳/۲۰
- پاتام، رابرت (۱۳۸۴)، جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی - اعتماد و دموکراسی و توسعه، تهران: نشر شیراز.
- تافرا آلونین (۱۳۸۶) جایجایی در قدرت، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، تهران: فرهنگ نشر نو.
- جهان بین، فرزاد و امامی، اعظم (۱۳۹۲)، «سرمایه اجتماعی حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم و تهدید نرم»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، سال چهارم، شماره دهم، بهار و تابستان.
- تهران، نشر اشراقی صفار
- دانائی فرد، حسن، مظفری، زینب (۱۳۸۷)، ارتقاء روایی و پایایی در پژوهشهای کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژیهای متمایز
- پژوهشی، پژوهشهای مدیریت، سال اول، شماره اول، ۱۶۲-۱۳۱
- راسل، پرتراوند (۱۳۶۷)، قدرت، ترجمه: نجف دریاپندری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- رناتی، محسن، مویدفرد، رزیتا (۱۳۹۴)، چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد: سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، تهران، انتشارات طرح نقد.
- ساروخانی، محمدباقر و امانی کلاریجانی، امراالله (۱۳۹۱)، "سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی"، نشریه مدیریت فرهنگی، پاییز، شماره ۱۷.
- عباس زاده، هادی و کامران کرمی (۱۳۹۰)، "سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره اول.
- علاقه بند، علی (۱۳۸۴)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران: نشر روان.
- غفاری، غلامرضا؛ اونق، نازمحمد (۱۳۸۵)، "سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی"، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۱.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، پایان نظم، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: حکایت قلم نوین، چاپ دوم.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه: غلامرضا غفاری، تهران: انتشارات کویر.
- قربانی شیخ نشین، ارسلان و کرمی، کامران (۱۳۹۰)، "قابلیت‌های سرمایه اجتماعی در شکل دهی به قدرت نرم"، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین المللی، دوره دوم، شماره ۵
- قزلباش، سمیه، کلاتری، محسن و قهاری، حسین (۱۳۹۲) "مطالعه وضعیت سرمایه اجتماعی در استان زنجان"، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۱، ص ۲۴۸
- قوام، عبدالملی (۱۳۸۰)، سیاست‌های مقایسه ای، تهران، انتشارات سمت.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لطفی، صمدیقه، رحیم بردی، مرادنژاد، آنا، واحدی، حیدر (۱۳۹۲) "ارزیابی و سنجش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت اجتماعی شهر مطالعه موردی: شهر بابلسر"، فصلنامه جغرافیا برنامه ریزی منطقه ای، سال سوم، شماره چهارم، پاییز.
- ماهیشاتیان، مهسا (۱۳۹۰)، "بسترهای فرهنگی و اجتماعی در جنگ نرم"، نشریه مطالعات راهبردی بسیج، بهار ۱۳۹۰، شماره ۵۰
- مویدفرد، روزیتا (۱۳۸۵) " بررسی تحولات سارما به اجتماعی و پیامدهای اقتصادی آن در ایران"، پایان نامه

- Fukuyama, F. (1999), "Social Capital and Civil Society", The Institute of Public Policy, George Mason University, pp: 313-323.
- Nye, J. S. 1990. **The Changing Nature of World Power**, Political Science Quarterly. Vol 105, No. 2: pp. 177-192.
- Nye; Joseph(2004)" **Soft Power: The Means to Success in World Politics** " Public Affairs. 1 Edition.
- Owen, S. Sphephen,(2005), Social capital and corporal punishment in schools: A theoretical inquiry, **Youth Society**, No, 37, 54.
- Putnam, R. (1995). **Democracy in America at Century end**. In A. Hadenius (Ed.), *Democracy Victory and Crisis*, New York: Cambridge University Press. -
- Putnam, R. D. (1995)." **Bowling alone**". america s Declining social capital. Journal of democracy 6: pp: 65-78
- Putnam.R ( 1993 ) " **Making Democracy Work : Civic Traditions in Modern Italy** ". Prinston Univercity Press.
- Strauss, A. and J. Corbin. (1998)**. Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing Grounded Theory, **second edition**, thousand Oaks, CA: **sage publications Ltd.**
- Taylor Peter ( 2009). **Political Legitimacy and social citizenship: a dilemma of austerity**, paper presented for the social policy association annual conference, July 2009, Available at: www.kent.ac.uk/scarr.
- دکتری اقتصاد. اصفهان: دانشگاه اصفهان : دانشکده علوم اداری و اقتصاد
- مؤیدفر، سعید، جهانگیری، پرویز ( ۱۳۸۸ ) "اعتماد اجتماعی -تعمیم یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن مطالعه موردی شهر ارومیه". **دانشنامه علوم اجتماعی** دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۸۸
- موسوی جشنی، سیدصدرالدین (۱۳۹۳)، «الگوی تحلیلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام»، **فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام**، سال اول، شماره ۱، پائیز.
- واحدی، حیدر، عباسی کسبی، دنیا، پورموسوی، سیدموسوی (۱۳۹۳) "تحلیل و ارزیابی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت اجتماعی شهر. مطالعه موردی منطقه ۲۱ شهر تهران". **مجله آمایش جغرافیایی فضا فصلنامه علمی- پژوهشی دانشگاه گلستان** سال سوم / شماره مسلسل دهم / زمستان ۱۳۹۳.
- نای، جوزف ( ۱۳۸۷ ) " **رهبری و قدرت هوشمند** ". ترجمه: محمود رضا گلشن پژوه و الهام شوشتری زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
- نصری، قدیر ( ۱۳۸۴ ) " جامعه شناسی امنیت ملی، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران " **فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی**، دوره هشتم، شماره ۲۸
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۲) " نقد و نظری بر دموکراسی‌های غربی"، **ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۷۵ و ۷۶.
- نوغانی، محسن، اصغرپور ما سوله، احمد رضا ( ۱۳۸۷ ) "بررسی تطبیقی رویکردها و شاخص‌های مورد استفاده در سنجش سرمایه اجتماعی" **فرایند مدیریت و توسعه** / شماره ۶۹-۶۸ / تابستان و پاییز ۱۳۸۷
- هرسبج، حسین ( ۱۳۹۰ ) " تجزیه و تحلیل ویژگی ها، مبانی و مؤلفه‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران" **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، شماره ۳، پائیز.
- منابع انگلیسی**
- Albano, Roberto and Filipe, Barbara (2009). "Social Capital, Welfare State and Political Legitimacy", American behavioral scientist. 53:677. -
- Bourdieu P. (1986)."The forms of capital". In: Richardson J.G. handbook of theory and research for the sociology of education.New York:Greenwood press,pp: 241-258.
- Corbin, J. and A. Strauss. (2008). Basics of qualitative research, **third edition**, London: **sage publications Inc.**
- Field, John (2004)," **Social Capital, Routledge Taylor Francis Group**", London and new York